

باران مرگ در سرزمین غم و درد!



سرزمین بلا رسیده ما از دیرباریست که پیام آور قتل و کشتار، درد و رنج و غم و اندوه، آوارگی و در به دری، بربادی و خانه ویرانی و هزاران هزار مصیبت دیگر است. از زمین و آسمان مرگ میبارد، انسانها را پارچه پارچه میکنند، گلو میبرند، سنگسار میکنند، به آتش میکشند و با سلاح های مدهش بیگانه ها خورد و خمیر میکنند. کشتار بلاوقه هموطنان مظلوم و بی دفاع ما در سرتاسر کشور بیشتر از سه دهه است که شب و روز جریان دارد.



سرزمین بلا رسیده افغانستان را حدود چهار دهه است که به یک میدان جنگ مبدل ساخته اند، کشتار هموطنان شریف ما مشغولیت روزمره نظامیان شرق و غرب و شمال و جنوب گشته است. همسایه های طماع و سنگ دل هم فرصت را مساعد دیده و همه نامردانه در تلاش اند تا از بدن زخم خورده و خونین افغانستان دربند کشیده شده برای خود توتنه هائی بریده و زهرمار کنند، غافل از اینکه "تا یک نفر افغان است، زنده افغانستان است، زنده افغانستان است تا یک نفر افغان است".

و اما این کشور بلا رسیده و مردم درد دیده ما است که از چهار سو و شش جهت زخم خورده و می خوردند هنوز. زخم های خون چکان که روس های جنایت گستر و ددمنش ده سال آزرگار بر بدن این کشور و این مردم با استقامت و سربلند بدون یک لحظه درنگ وارد کردند، همچنان خون چکان باقی ماند و کوچکترین فرصتی

جهت التیام نیافت که نیافت و تا هنوز که هنوز است از آن زخم های عمیق کاری ناسور خون می ریزد و قربانی میگیرد.

این قتل و کشتار و وحشت و بربادی و خونریزی و در به دری درست از نخستین دقایق کودتای منحوس هفت ثور ۱۳۵۷ آغاز گردید و تا امروز همچنان بدون لحظه درنگ جریان دارد. افغانستان را همسایه های دور و نزدیک و بیگانه های سنگ دل و خونریز میدان جنگ و کشتار ساخته اند، میدان آزمایش وحشتناک ترین سلاح های مرگبار و میدان تمرین عساکر و نظامیان شرق و غرب و شمال و جنوب.

از سیه روز هفتم ثور ۱۳۵۷ تا امروز (هفتم ثور ۱۳۹۶)، ۳۹ سال میگذرد. ۳۹ سال قبل یک مشت افراد کودن، بی وجدان، فروخته شده و جاسوس که زیر پوشش (حزب دیموکراتیک خلق) گرد آورده شده بودند با یک اشاره اربابان روسی شان دست به یک کودتای خونین و ننگین زدند و شیرازه هستی یک کشور و مردم را چنان از هم پاشیدند و با خون و خاک و خاکستر و خطا و خیانت مزج کردند که هیچ حیوانی به حیوانی نمی دارد روا!



از همان نخستین دقایق کودتای ننگین ثور تا همین لحظه خون هموطنان مظلوم ما در ریختن است، از همان دقایق نخستین خیانت یک مشت افراد فروخته شده به میهن و مردم تا همین دم کشور عزیز ما به میدان تاخت و تاز نیمه از دنیا مبدل گردید که مسؤل مستقیم اینهمه بدبختی و بربادی و خونریزی و آوارگی و در به دری و قتل و کشتار و خونریزی و هزار و یک خطا و خیانت و جنایت و وحشت

دیگر، فقط و فقط همان کودتاچیان شرف باخته خلقی و پرچمی بودند و هستند هنوز.

در تازه ترین جنایت ضد بشری شاهد پرتاب قوی ترین و خطرناک ترین بمب جهان بعد از بمب اتم که آنرا "مادر بمب ها" نام داده اند، در ولسوالی اچین ولایت ننگرهار کشور برباد داده شده افغانستان بودیم. امریکائی ها گویا جهت ضربه زدن به یک مشت تروریست مخلوق خود شان "داعش"، چنان بمب مهیبی را در کشور ما پرتاب کردند که تا امروز در هیچ نقطه جهان مورد آزمایش قرار نگرفته بود، و اینهمه سرچشمه میگیرد از خیانت و جنایت مثنی از خود و میهن فروشان خلقی و پرچمی و حزب منفور و مطرود شان و کودتای منحوس هفتم ثور ۱۳۵۷ که امروز ۳۹ سال از آن جنایت سخیف میگذرد.

ایجاد هشت گروپ "جهادی" در ایران و نه گروپ دیگر در پاکستان و خاک پاک کشور را به توبره کردن، از طفیل سر همان خلقی ها و پرچمی های خائن به میهن و مردم است که با کودتای ننگین شان زمینه میلیونر و میلیاردر شده یک مشت دیگر از رهنان جهادی گردید.

زمینه تجاوزات مکرر در مکرر پاکستانی ها و ایرانی ها و نیز تجاوز عریان امریکا و متحدین به کشور عزیز ما را همانا کودتای خونین هفتم ثور ۱۳۵۷ مهیا ساخت که ننگ و نفرین بر یکایک آن کودتاچیان بی آرم باد!

در مورد کودتای ننگین و خونین هشتم ثور و زمینه سازی کودتاچیان هفتم ثوری جهت یک جنایت دیگر همین کافی خواهد بود تا تذکر داده شود که کودتاچیان سرخ هفتم ثوری یک شبه به کودتاچیان سبز هشتم ثوری مبدل شدند و باز هم جنایت دیگری را مرتکب شدند، آنان حتی به رهبر نانجیب خود نیز خیانت کردند. شب در میان بروت های پهن تراشیده شدند، دریشی های مفشن و نکنائی ها به پیراهن و تنبان و کلاه و پکول مبدل گشتند و هفتم ثوری های "انقلابی" به هشتم ثوری های "انقلابی" مبدل گشتند و هر دو باهم درهم آمیختند و باز هم جنایت دیگری را رقم زدند...

هفتم ثوری ها در تنبانی با هشتم ثوری ها بار دیگر جوی هائی از خون در سرتاسر کشور و بخصوص کابل نازنین جاری ساختند و در همکاری تنگاتنگ با رقبای و دشمنان دیرین شان پشته هائی از کشته های مردم بی دفاع و بی گناه و مظلوم افغانستان ساختند که نفرین ابدی باد بر همه شان، چه سرخ و چه سبز و چه سیاه. قصه این غصه ای بی فرجام با درد و دریغ که سردراز دارد و خیانت و جنایت و شرارت و شقاوت همچنان ادامه دارد و خون هموطنان ما همچنان بی محابا ریخته می شود و هنوز هم دود و باروت و خون و خاکستر داستان همه روزه این مرز و بوم است و اینهمه از نخستین دقایق کودتای منحوس هفتم ثور ۱۳۵۷ آغاز گردیده و تا هنوز هم ادامه دارد که ننگ و نفرین ابدی باد بر این کودتاچیان بی آرم هفتم ثوری و اربابان جنایت گستر روسی شان و دوستان و برادران هشتم ثوری شان.

باران مرگ در سرزمین زیبای ما از نخستین دقایق کودتای خونین و ننگین هفتم ثور ۱۳۵۷ باریدن گرفت و از همان روز سیه و شوم و ننگین و خونین تا امروز همچنان از زمین و آسمان مرگ و غم و غصه و ماتم می ریزد که مسبب همه بدبختی ها در کشور بلا رسیده ما همانا کودتاچیان هفتم ثوری اند که ننگ و نفرین بر یکایک شان باد!!!



پایان بی پایان - هفتم ثور ۱۳۹۶